

دختران حبس شده جزئیات جدیدی از ماه‌ها اسارت در دخمه ترسناک خیابان کمیل گفتند

از کتک‌های پدر تا شکنجه‌های رئیس خانه وحشت

بیرون رساند و فرار کرد. سمیه می‌گوید: «در این مدت از ترس جانم و آبرویم نتوانستم فرار کنم. حتی دختری که کشته شد را هم اصلا ندیدم. از وقتی او به آن خانه آمد، سعید اجازه نمی‌داد با هم رودرو شویم. هر وقت او در اتاق بود، مرا به دستشویی یا حمام می‌برد. هر وقت هم می‌خواست به دستشویی برود، ما را با هم جابه‌جا می‌کرد. سعید مرد خطرناکی بود. او گفت که مرا می‌کشد. برای همین از شما می‌خواهم مرا با او رودرو نکنید. چون مطمئنم کشته می‌شوم.»

انکار عجیب

این در حالی است که سعید با انکار اظهارات دختران، صحبت‌های عجیبی را مطرح کرده است. او که به اتهام قتل عمد، حبس غیرقانونی سه خانم و اخفای جسد بازداشت است، می‌گوید: «این دخترها عاشق من بودند. آنها چون جایی را نداشتند، خودشان با پای خودشان به خانه‌ام آمدند و ماندند. من آنها را مجبور نکردم. از طرفی چون می‌خواستند با من ازدواج کنند به هم حسودی می‌کردند. سمیه بود که آن دختر را کشت. چون به او حسودی می‌کرد، در کل، من با خانم‌ها مشکل دارم. از آنها بدم می‌آید. انگیزه این کارهایم هم به خاطر خشم و نفرتی است که از زنان دارم.»

او که اظهارات ضدونقیضی را مطرح می‌کند، قتل را انکار کرده است. در تحقیقات مشخص شد که او هوش بالایی دارد و در تمام این مدت سعی دارد با داستان‌سرایی از این ماجرا خود را نجات دهد. یک بار می‌گوید مرا اعدام کنید خسته شدم، ولی بار دیگر می‌گوید جرمی مرتکب نشده‌ام است: «من قبول دارم که فیلم سیاه تهیه کردم، ولی این فیلم‌ها را تهیه کردم که ثابت کنم دختران با رضایت خودشان کنار من بودند. فیلم دیگری از آنها تهیه نکردم. تمام فیلم‌ها هم در یک فلش در خانه‌ام است.»

در پایان نیز دستور بررسی دوباره خانه صادر شد تا مشخص شود فیلمی وجود دارد یا نه. از طرفی از آنجاییکه در خانه متهم کارت ملی متعلق به یک خانم دیگر هم پیدا شده، دستور شناسایی این زن نیز صادر شده است. همچنین تحقیقات در خصوص دو جسد کشف شده و احتمال جرم‌های دیگر این پرونده همچنان ادامه دارد.



هم از خانواده‌های خود وحشت دارند و هم از رئیس خانه‌ای که در آن حبس شدند. یکی به خاطر کتک‌های پدر و دیگری به خاطر طرد شدن از خانواده، رفتند تا زندگی جدیدی را بسازند، اما گرفتار خانه‌ای عجیب و مرموز در خیابان کمیل پایتخت شدند. مردی که ماه‌ها و سال‌ها آنها را تهدید کرد. دخترانی که در این شکنجه‌گاه صدایشان به طرز عجیبی در نیامد و همین معمای این پرونده تلخ و هولناک در پایتخت را بیشتر می‌کند.

می‌گویند تهدید می‌شدند، آن هم با فیلم‌های سیاه. ندا و سمیه حالا هر کدام روایت‌های غم‌انگیزی از زندگی در آن خانه دارند. دختری که در کمد زندگی کرد و دختر جوان دیگری که نتوانست از چنگال این مرد خطرناک فرار کند. آنها که به جرم مشارکت در اخفای جسد مقتول، بازداشت هستند، در تازه‌ترین تحقیقات در پرونده ماجرای زندگی و آزارهایشان را روایت کردند. این در حالی است که دستور تحقیقات در خصوص شناسایی هویت دو جسد کشف شده در حوالی خانه این مرد صادر شده است.

یکی از آنها می‌لنگد. مادرزادی یکی از پاهایش نقص دارد. می‌گوید به خاطر شکنجه‌های پدرش این بلا سرش آمده است: «پدرم مرا نمی‌خواست. برای همین وقتی متوجه شد که مادرم مرا باردار است، آنقدر او را کتک زد که من در شکم مادرم می‌میرم. حتی به او نفت خوراند تا من به دنیا نیایم. همین شکنجه‌ها باعث شد که من ناقص متولد شوم. به خاطر همین مساله هم در خانه جایگاهی نداشتم. آنها مرا نمی‌خواستند. سال‌ها عذاب کشیدم. تا بالاخره تصمیم گرفتم از آن خانه به ترکیه سفر کنم.»

پول‌هایش را جمع کرده بود. از خیّران و آشنایانش پول گرفته بود. ندا همان دختری است که به ادعای خودش هشت ماه در کمد زندانی بود: «می‌خواستم به ترکیه بروم. قصد داشتم زندگی جدیدی را آغاز کنم. مادر اسلامشهر زندگی می‌کردیم. وقتی به تهران رسیدم می‌خواستم به بانک بروم و پول‌هایم را برداشتم تا با آن به ترکیه بروم. ولی ظاهر رسیدم و بانک‌ها بسته بود. برای همین نتوانستم به بانک بروم. در راه‌آهن با این مرد آشنا شدم. سعید به من گفت که تا فردا می‌توانم در خانه‌اش بمانم. او گفت سرهنگ بازنشسته

است و خانه‌ای در خیابان کمیل دارد. از آنجایی که مدارک نداشتم تا به هتل بروم و از طرفی هم پول زیادی نداشتم، به او اعتماد کردم و وارد خانه‌اش شدم.»

نمی‌خواهم پیش خانواده‌ام برگردم

اول لحظه‌های زندانی شدنش در این خانه را اینطور روایت می‌کند: «از وقتی وارد آن خانه شدم، رفتار سعید عوض شد. او مرا کتک زد. با زور مورد تعرض قرار داد و بعد هم مرا داخل کمد زندانی کرد. او گفت اگر حرف بزنم مرا می‌کشد. بعد از آن فیلم سیاه از من تهیه کرد و گفت اگر به فکر فرار بیفتم فیلم‌هایم را پخش می‌کند. از طرفی مرا مجبور کرد که حرف‌های سیاسی بزنم. به همه ناسزا بگویم بعد هم از من فیلم گرفت. او از همین طریق مرا تهدید کرد که از خانه بیرون نروم و به فکر فرار نیفتم. چون به محض فرار هم فیلم‌های سیاه و هم فیلم‌های سیاسی‌ام را منتشر می‌کند و من را اعدام می‌کنند.»

ندا در ادامه اظهاراتش می‌گوید: «در این مدت هشت ماه من همیشه در کمد بودم. روزی یک وعده غذا به من می‌دادند. آن هم بیشتر نان و آب بود. حتی اجازه نمی‌دادند به دستشویی بروم. آن دختری که کشته شد را هم اصلا ندیدم. سعید اجازه نمی‌داد که او را ببینیم. من که همیشه داخل کمد بودم. برای همین او را ندیدم. فقط صدای دعوا شنیدم و بعد هم دیگر صدایی از آن دختر نیامد. ولی دیدم که جسد را اول داخل حمام گذاشت. بعد هم آن را به اتاق برد و داخل کیسه‌ی زباله پیچید و هر روز عود روشن می‌کرد تا بوی تعفن آن بلند نشود. مرتب هم نایلون را عوض می‌کرد. از آن دختر چیزی نمی‌دانم. حالا هم اگر آزاد شوم باز هم پیش خانواده‌ام بر نمی‌گردم. اصلا فکر نکنم آنها بخواهند مرا ببینند.»

وحشت از مجرم

سمیه یکی دیگر از دختران است. همان دختری که حدودا از سه سال پیش گرفتار این

گفت وگو «شهروند» با متهم قماربازی که همه زندگی‌اش را باخته است

شرط بندی‌های سیاه در پاتوق‌های زیرزمینی تهران



مهره و تاس یا کارت پولی شرط بندی می‌کنند برد یا آن کس است که بیشترین عدد تاس را نشان دهد.» او می‌گوید قمار صد شبش عزاست یک شبش عروسی. بردی وجود ندارد. ته قمار بدبختی است. همان موقع محمود را با داستان بسته به سمت بازداشتگاه می‌برند.

اجرای پنجاه و یکمین طرح رعد

اجرای مرحله جدید طرح رعد پلیس پیشگیری روز چهارشنبه صبح در محل ستاد فرماندهی انتظامی تهران بزرگ با حضور سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس تهران برگزار شد. سردار حسین رحیمی در حاشیه مرحله ۵۱ طرح «رعد» گفت: «در این طرح که در بازه زمانی ۴۸ ساعته بوده است، ۸۷۲ سارق، مالخ و زورگیر بازداشت شدند. ۳ هزار و ۲۹۱ اموال مسروقه مردم هم کشف شد.» رئیس پلیس تهران با اشاره به کشف ۷۰ دستگاه تلفن همراه، ۲۰۸ دستگاه خودرو و موتورسیکلت سرقتی در رعد ۵۱، از رسیدگی به یک هزار و ۵۰ پرونده سرقت خبر داد. در پنج عملیات، مأموران با تیراندازی سارقان مسلح مواجه شدند که سارقان مسلح زمینگیر و بازداشت شدند. او با بیان اینکه «اشراف خوبی بر پاتوق‌های سارقان پیدا کرده‌ایم»، گفت: «۸۸ پاتوق سارقان و ۱۱ مرکز تجمع مالخ‌ران در این طرح منهدم شد.» رحیمی از بازداشت ۱۲ نفر از او باشی خبر داد که علاوه بر او باشی‌گری در بحث سرقت نیز مشارکت داشتند.

اجاره قماربازان قرار می‌گیرد ۱۰ هزار تومان باید پرداخت شود.»

اعتیاد ندارد

این مرد که در صبح سرد ۱۷ آذرماه در کنار دیگر سارقان و دزدان پایتخت ایستاده، چرت می‌زند. چشمانش برای چند ثانیه بسته می‌شود ولی با صدای هیاهوی متهمانی که در حیاط به صف ایستاده‌اند چشمانش را به سختی باز می‌کند و به کندی پاسخ می‌دهد. می‌گوید اعتیاد ندارد بی‌خوابی او را به این روز انداخته است. «از وقتی دستگیر شدم نخوابیدم. خواب به چشمانم نیامد. ۵ سال است که آواره شدم. زخم رفت و کارم را از دست دادم. قمار کردم تا مهریه را جور کنم اما نشد، به زندان افتادم. قمار مرا خانه خراب کرد. سرنوشتم در گرو تاس و مهره‌ها بود. هیچ وقت سرقت نکردم اما این ماشین سرقتی را به پای من نوشتند.»

مراحل بازی

محمود از دیگر همدستانش چیزی نمی‌گوید اما دربارہ مراحل بازی خوب می‌داند. «بازی با جمعی است یا تک نفره که شاخ به شاخ می‌گویند. در بازی جمعی یک لیدر تاس، مهره یا کارت‌ها را می‌اندازد و دیگران پشت دستش بازی می‌کنند. در واقع روی کارت‌ها و مهره‌های لیدر شرط بندی می‌کنند. هرچه رقم کارت‌ها، مهره‌ها و تاس‌ها بیشتر باشد برد با گروه می‌شود. در بازی تک شاخ هم دو نفر روبه روی هم می‌نشینند و برای هر پرتاب

شهروند ۵۱ سالی است که وارد دنیای قمار و قماربازی شده است. از وقتی زنش مهریه‌اش را اجرا گذاشت و طلاق گرفت. از همان موقع مهره‌ها، کارت‌ها و تاس‌ها سرنوشتش را تعیین کردند. با پرتاب تاس‌ها و جابه‌جایی کارت‌ها، معامله شروع می‌شد. معامله دوسر باخت. هر شرکت‌کننده‌ای که تاس بیشتری بیارد یا کارت بیشتری رو کند، می‌برد. مبالغ از ۱۰ هزار تومان شروع می‌شد تا به ماشین هم می‌رسید.

قمار کردم ماشین بردم

محمود یکی از ۸۷۲ متهم دستگیر شده پنجاه و یکمین طرح «رعد» است. یکی از همان مجرمانی که صبح چهارشنبه در حیاط پلیس آگاهی ردیف به ردیف ایستاده. او هم در ۴۸ ساعت گذشته، به همراه دیگر سارقان، مالخ‌ران و زورگیران بازداشت شده است. از او یک خودرو سرقتی کشف کرده‌اند. «خودرو را در یکی از همین قمارها بردم. نمی‌دانستم سرقتی است وقتی پلیس وارد خانه‌ام شد شوکه شدم.» محمود، کارمند بانک بوده است اما زمانی که به دلیل عدم پرداخت مهریه ۱۰۰ میلیونی زنش به زندان افتاده کارش را از دست داده و از همان زمان وارد دنیای قمار شده است. «از سال ۹۵ وقتی بیکار شدم به قمار پناه آوردم. هر جا که پاتوق باشد، می‌روم. شرق، غرب، شمال و جنوب تهران فرقی ندارد. رفتن به پاتوق‌ها هم هزینه دارد برای هر ۱۵ دقیقه زمانی که این پاتوق‌ها در